

سیری در مبانی اخلاق در پژوهش و اخلاق پزشکی

در سیره نیاکان (مقاله بازآموزی)

دکتر حسین حاتمی^۱، دکتر مریم حاتمی^۲، دکتر منصور رضازاده آذری^۳

چکیده

مقدمه

منظور از اخلاق پزشکی، رعایت موازین اخلاق عمومی و تخصصی توسط شاغلین پزشکی و بهداشت و منظور از اخلاق در پژوهش، رعایت موازین اخلاقی در مراحل مختلف تحقیقات است.

اهداف و روش مطالعه

به منظور بررسی میزان توجه و عنایت پیش‌کسوتان پزشکی نیاکان به مقوله زیبا، پُرمعنا و مقدس اخلاق پزشکی و اخلاق در پژوهش در منابع طب سنتی به سراغ کتب الکترونیک الحاوی رازی، قانون ابن سینا، ذخیره خوارزمشاهی، اغراض طبی، حُفی علائی، برخی از کتب دیگر رازی و تاریخ پزشکی ایران و جهان اسلام و حتی شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، دیوان پروین، کلیات سعدی، دیوان حافظ و پنج گنج نظامی رفته و طی یک مطالعه کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از واژه‌های کلیدی محتمل و قابلیت جستجوی سریع و دقیق رایانه به جستجو پرداختم.

نتایج

در کل منابع اصیل پزشکی نیاکان که به آن اشاره گردید حتی یک کتاب، یک مقاله، یک فصل یا چند صفحه‌ای تحت عناوین مورد جستجو یافت نگردید و اینگونه دریافتیم که اگر کتابی تحت عنوان اخلاق به یادگار مانده است کتابی است همچون سایر کتب اخلاقی در خصوص اخلاق عمومی و نه اخلاق پزشکی صرف و یا اخلاق در پژوهش و این در حالیست که سیره آنان نشان دهنده تهذیب اخلاق و آموزشهای پرمحتوای اخلاقی و شیوه نگارش آنان حاکی از خداجویی و احساس حضور باریتعالی در تمامی عرصه‌ها و صحنه‌ها و نوشته‌های پرمحتوای پزشکی نیاکان می‌باشد. لذا با بررسی بیشتر مشخص شد که دانشجویان طب سنتی، قبل از آغاز دروس اختصاصی پزشکی، دروسی نظیر اخلاق، حکمت، فلسفه و... را به طور مفصل می‌گذرانده‌اند و این آموزشها منجر به تغییر رفتار می‌گردیده و ازجمله به ادبیات آنان رنگ و بوی توحیدی می‌بخشیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هرچند در بین منابع پزشکی نیاکان کتاب جداگانه‌ای تحت عنوان اخلاق پزشکی یا اخلاق در پژوهش به چشم نمی‌خورد ولی در سرتاسر آثار تخصصی آنان، رد پای خداجویی و بینش توحیدی و اینکه عالم را محضر خدا و خود را همواره در پیشگاه الهی می‌پنداشته‌اند، کاملاً جلب توجه میکند و به همین دلایل است که پزشکی، شرافت و قداست خاصی را به خود اختصاص داده و همواره دینداری و خلوص عقیده که به منزله اصول اساسی اخلاق عمومی هستند را به همراه داشته، اعتقاد به خالق قادر و حکیمی که همه امور به اراده او انجام می‌شود به عنوان یک اصل اجتناب ناپذیر، در بین رهروان این راه مطرح بوده و هست و در سایه این جهان‌بینی به مراعات اخلاق پزشکی و ازجمله، اخلاق در پژوهش نیز می‌پرداخته‌اند...

کلید واژه: پزشکی نیاکان، طب سنتی، اخلاق پزشکی، اخلاق در پژوهش

۱ - دانشیار بیماریهای عفونی و MPH، مدیر گروه آموزشی طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲ - پزشک مرکز بهداشتی - درمانی فیروزکوه، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

۳ - دانشیار بهداشت حرفه‌ای دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه

منظور از اخلاق پزشکی، رعایت موازین اخلاق عمومی و تخصصی توسط شاغلین پزشکی و بهداشت و منظور از اخلاق در پژوهش، رعایت موازین اخلاقی در مراحل مختلف تحقیقات است (۱) و حقیقت امر این است که وقتی با دید اخلاقی اعتقادی توحیدی یا اخلاق پزشکی فضیلت‌گرا (۲) به این موضوع می‌نگریم قادر به تفکیک اخلاق پزشکی از اخلاق در پژوهش و تفکیک این دو از اخلاق عمومی نخواهیم بود زیرا از یک طرف دین مبین اسلام، پزشک را مسئول دانسته و در صورت ناآشنایی و تقصیر در برابر بیمار، ضامن می‌باشد (۳) و از طرف دیگر دانشمندان عالیقدر پزشکی نیاکان، با دید جامعه‌نگر «هدف پزشکی را حفظ تندرستی به هنگام سلامت و بازگرداندن آن در زمان بیماری»، (۴) تعیین کرده و دستیابی به این هدف را در گرو پژوهش دانسته و فرموده‌اند: «از آنجا که هدف علم طب، پژوهش در تن آدمی است که آیا سالم است و یا از سلامت برخوردار نیست و با توجه به این که شناخت و علل هر دو حالت تندرستی و بیماری برای پزشک لازم است، پس بایسته است که علل و موجبات تندرستی و بیماری بررسی شود. این موجبات ممکن است آشکار باشند و یا نهان، یعنی دیده نشوند و یا حس و درک نگردند و باید از روی نموده‌ایشان به آن‌ها پی برد. پس لازم است عوارضی را که در حالات تندرستی و یا بیماری بر بدن روی می‌آورند بخوبی بشناسیم. در علوم حقیقی بیان شده است که شناخت هر چیزی مشروط به معرفت ما بر منشاء و علل آن است، به شرطی که منشاء و علل به طور آشکار خودنمایی کنند وگرنه باید آن را از طریق رویدادها و ویژگی‌های ذاتی آن کشف کرد» (۵). و مگر بدون انجام تحقیقات لازم می‌توان با دقت و صحت لازم به منشاء و علل پدیده‌های مرتبط با سلامت و بیماری پی‌برد؟! . . . به طوری که استاد و پدرمان ابن سینا با صراحت هرچه تمامتر فرموده است: «دامنه علم طب، پژوهش در

باره عناصر، مزاج‌ها، خلط‌ها، اندام‌ها، قوای طبیعی و حیوانی و نفسانی، کنش‌ها، حالات تندرستی و بیماری، حدّ واسط بین آن‌ها و علل آن‌ها مانند خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، آب و هوا، مناطق مسکونی، خانه‌های مسکونی، تخلیه، احتقان، مشاغل، عادات، حرکات بدنی و نفسانی، آرامش، سنین عمر، جنسیت، اثر عوامل خارجی بر جسم، انتخاب مواد خوراکی و آشامیدنی، استنشاق هوای مناسب، برنامه فعالیت‌ها و استراحت‌ها، درمان به وسیله داروها و درمان‌های فیزیکی است» (۶).

هدف و روش

وقتی به عنوان جامعه پزشکی و بهداشت از زاویه واژه مقدّس، زیبا و پرمعنای اخلاق به ادبیات پزشکی نیاکان می‌نگریم طبیعی است که انتظار داشته باشیم با معیارهای نوین، شاهد توجّه و عنایت پیش‌کسوتان، به این مقوله و یافتن کتب و مقالات یا نوشته‌هایی در خصوص پاسخگویی به سوالات زیر باشیم:

- ۱ - برخورد آنها با همکاران، بیماران و اطرافیان چگونه بوده و موازینی را که امروزه تحت عنوان اخلاق پزشکی نامیده می‌شود به چه میزانی مراعات می‌نموده‌اند؟
- ۲ - آیا آنها موازین اخلاقی را در اولویت‌بندی‌های پژوهشی و انتخاب اصلح سوژه‌های موجود، مراعات می‌کرده‌اند؟
- ۳ - آیا نتایج حاصله را صادقانه و به دور از هرگونه سوگرایی‌های فردی، عقیدتی و اجتماعی، گزارش و منعکس می‌نموده‌اند؟

برای یافتن پاسخ این سوالات که اهداف اصلی پژوهش حاضر را تشکیل میدهد به سراغ کتب الکترونیک الحاوی رازی، قانون ابن سینا، ذخیره خوارزمشاهی، اغراض طبی، حُفّی علائی، برخی از کتب دیگر رازی و حتی تاریخ پزشکی ایران و جهان اسلام، شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، دیوان پروین، کلیات سعدی، دیوان حافظ و پنج گنج نظامی که توفیق رایانه‌ای کردن آنها حاصل شده است رفته طی یک

مطالعه کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از واژه‌های کلیدی محتمل و قابلیت جستجوی سریع و دقیق رایانه به جستجو پرداختم.

نتایج

در کل منابع اصیل پزشکی نیاکان که به آن اشاره گردید حتی یک کتاب، یک مقاله، یک فصل یا چند صفحه‌ای تحت عنوان مورد جستجو یافت نگردید و اینگونه دریافتیم که اگر کتابی تحت عنوان طب روحانی از دانشمند معظم، محمد زکریای رازی به یادگار مانده است کتابی است همچون سایر کتب اخلاقی در خصوص اخلاق عمومی و نه اخلاق پزشکی صرف و یا اخلاق در پژوهش.

شایان ذکر است که در همین اثنی واقعیت انکارناپذیر و باشکوه دیگری در تمامی کتب مورد بررسی، جلب توجه نمود؛ و آن چیزی جز نغمه‌های خداجویی، ادب، نزاکت... و جملاتی صادقانه نبود! متاعی که بروز آن پیش‌زمینه‌ای عمیق و سابقه‌ای طولانی را می‌طلبد و حاکی از تاثیرگذاری منابع، برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی جداگانه‌ای بود و شکی باقی نمی‌گذاشت که آنها باید این دوره‌های سازنده و آموزشهای متحول‌کننده را به طور ابتدایی و حتی قبل از آغاز دروس اختصاصی طب گذرانده و پس از تزکیه و تهذیب، به وادی مقدس طب و بهداشت، راه یافته‌اند. لذا در پاسخ به این سوال که آیا برنامه‌ای نظیر دروس علوم پایه پزشکی امروزی وجود داشته و درس اخلاق عمومی و تخصصی را در این رابطه می‌گذرانده‌اند و اینکه این شیوه چقدر کارآمد بوده است؟ به جستجو پرداخته و به نتایج درخشانی دست یافتیم که ذیلاً به شرح آن پرداخته میشود:

پیش‌نیازهای طب بالینی در پزشکی نیاکان

همانگونه که امروزه دانشجویان پزشکی، قبل از راه‌یافتن به دوره‌های بالینی، موظف به گذراندن دروسی در دوره علوم پایه می‌باشند در پزشکی نیاکان نیز درس‌هایی از قبیل علوم دینی، اخلاق، منطق، حکمت و امثال اینها بشرح

ذیل در برنامه آموزشی آنان وجود داشته است:

۱ - علم فقه و حدیث و سایر علوم دینی (تا اساس و بنیاد دین خود را بدان استوار دارند و از شاهراه استقامت نلغزند و منهدم نگردند)

۲ - علم اخلاق (تا در آن ورزیده گردند و صاحب خلق نیکو و رفتاری پسندیده باشند)

۳ - علم حکمت (برای تایید و تحقیق معانی و نکات و لطایف کلام و حسن بیانات صاحب شریعت، تا راست گفتار و درست کردار باشند نه تابع هوی و هوس)

۴ - علم منطق (به منظور کسب دانش و مهارت استدلال در دستیابی به حقایق)

۵ - علوم طبیعی (زیرا علم طب شاخه‌ای از علوم طبیعی است و باید بطور زیربنایی مورد مطالعه قرار گیرد)

۶ - علم هندسه (به منظور کسب معرفت لازم در خصوص ساختمان و شکل اعضاء و فهم و چگونگی آنها)

۷ - علم هیات (برای معرفت فصول و عرصه‌های جغرافیایی و مزاج نقاط مختلف و آب و هوای هر منطقه و سایر مسائل مرتبط)

۸ - علم نجوم (برای شناخت اوقات فصد و حجامت)

۹ - علم حساب (برای محاسبه میزان و ترکیب داروها و تجویز مقدار مناسب دارو)

۱۰ - علم کهنات و قراست (تا از دیدن بعضی احوالات و علامات هیات مرض، پی به نوع آن برده، عاقبت بیمار را پیش بینی کند) (۷)

شایان ذکر است که توضیحات بیشتر در خصوص پیش‌نیازهای دهگانه فوق را در همان صفحات آغازین خلاصه‌الحکمه، اثر نفیس حکیم و عارف عالیقدر، عقیلی خراسانی، به شرح ذیل یافتیم:

علوم ضروریه برای پزشک، طبق تصریح کتاب خلاصه‌الحکمه

اول: علم فقه و حدیث است تا اساس و بنیاد دین خود

المقدور جایز نیست فصد و حجامت و اخراج خون، مطلقاً؛ مگر آن که ضرورت بسیار داعی و خوف هلاکت باشد. و فصد در وقت بودن قمر در جوزا ممنوع، و در اسد و یا حمل در حالت سعد و ناقص الضوء و تثلیث و تربیع و تسدیس، مجاز.

و جهت استعمال ادویه: که وقتی که قمر به برج مخالف طبیعت مرض و متصل به کوبکی که نیز مخالف طبیعت مرض و ناظر بر سعد باشد، نیکوست. و جهت ترکیب ادویه و جهت اختیار وقت تنقیه به مسهل: و جهت اختیار وقت استفراغ به قیء. و جهت استعمال غرغره و جهت استعمال حقنه و جهت تعیین هنگام استحمام و جهت سر تراشی و مو از بدن ستردن.

نهم: علم حساب؛ جهت معرفت «ضروب» و «قسمت» درجات ادویه مرکبه و استخراج امزجه و مقادیر شریات آن‌ها و آن چه محتاج به حساب باشد.

دهم: علم کفایت و فراست است؛ که از بعض احوال و علامات و هیئات مرضی و اشکال خلقت و صورت آن‌ها دریابند که: «زود شفا خواهد یافت یا نه؟» و یا «عاقبت بخیرند؟» و یا «انتقال به امراض و اعلال دیگر خواهند نمود و یا به هلاکت؟» و براین قیاس، امور جزئیة اتفاقیه (۸).

بنابراین با گذراندن این دوره‌ها و نهایتاً ارتقاء به دورانی که به کتب الحاوی، قانون، تخریر خوارزمشاهی و امثال اینها دست می‌یافتند دیگر نیازی به وجود فصول یا مطالبی تحت عناوین فوق در کتب بالینی احساس نمی‌شد و صراحتاً نگری از اینگونه مطالب به میان نمی‌آمد.

ضمناً همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد در سرتاسر این آثار، رد پای خداجویی و بینش توحیدی آنان و اینکه عالم را محضر خدا و خود را همواره در پیشگاه الهی می‌پنداشته‌اند، به چشم می‌خورد. و به همین دلایل است که پزشکی، شرافت و قداست خاصی را به خود اختصاص داده و همواره دینداری و خلوص عقیده که به منزله اصول اساسی اخلاق عمومی هستند را به همراه داشته اعتقاد به خالق قادر و حکیمی که همه امور به اراده او انجام می‌شود

را بدان استوار دارد؛ تا آن که به ورود شکوک و شبهات شیاطین نفسانیه از جاده استقامت نلغزد و منهزم نگردد.

دوم: علم اخلاق است که آن را، خوب ورزد، و ملکه خود گرداند تا صاحب خلق نیکو باشد.

سوم: علم حکمت است؛ برای تأیید و تشدید و تحقیق معانی و نکات و لطایف کلام و حسن بیانات صاحبان شریعت که از آن شرافت و علو درجه و رفعت شأن آن‌ها معلوم می‌گردد. و عامل به علم حکمت باشد؛ یعنی حکیم راست گفتار و درست کردار و تابع حق و امر حق باشد و آن که علم حکمت را برای ایاحت و یا مخالفت شریعت آموزد؛ یعنی اصل شریعت را قرار دهد و حکمت را تابع و آلت فهم آن، نه بالعکس که موافق رأی و خواهش خود تأویل نماید.

چهارم: علم منطق است؛ خصوص کلیات خمسه و معرفت جوهر و عرض و حدود؛ برای معرفت حدود و رسوم اشیاء و صحت و مرض، و فرق میان ذاتی و عرضی، و عام و خاص، و لازم و مفارق، و آن که «کدام مزاج، در تحت کدام مزاج؟» و «کدام مرض، در تحت کدام مرض؟» و «لازم، کدام مرض؟ و اصلی، کدام؟ و شرکی عارضی کدام؟» و تقسیم امراض و غیرها.

پنجم: علم طبیعی است؛ برای آن که طب، متعلق به علم طبیعی و فرعی از فروع آن است.

ششم: علم هندسه است؛ به جهت هیأت و شکل اعضاء مفرده و مرکبه در تشریح اعضاء؛ از استقامت و انحناء و تدویر و تثلیث و غیرها زیرا که از جانب زوایا، گوشت صالح زود می‌روید.

هفتم: علم هیأت است؛ به جهت معرفت فصول اربعه از برای تنقیه؛ از فصد و اسهال و قیء و غیرها. و معرفت خط استواء و تقسیم اقالیم و سایر نظرات کواکب سبعة سیاره و امور متعلقه بدان‌ها، و اوقات و غیرها.

هشتم: علم احکام نجوم است؛ جهت معرفت اوقات فصد و حجامت و اسهال؛ که در زاید النور- یعنی از اول ماه تا چهاردهم - و در وقتی که قمر در برج جوزا باشد، حتی

به عنوان یک اصل اجتناب ناپذیر، در بین رهروان این راه مطرح بوده و هست و در سایه این جهان‌بینی به مراعات اخلاق پزشکی نیز می‌پرداخته‌اند... که ذیلاً به بیان شمه‌ای از آنچه که ادبیات توحیدی نامیده‌ایم و در تمامی آثار و کتب پزشکی نیاکان به چشم می‌خورد و حتی مایه‌های اصلی ادبیات عمومی این مرز و بوم را تشکیل می‌دهد نیز پرداخته برخی از یافته‌های مرتبط را در این بخش از مقاله درج می‌نماییم:

ادبیات توحیدی در منابع پزشکی نیاکان به عنوان سند خداجویی و موازین اخلاق پزشکی فضیلت‌گرا

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد کتاب یا مقاله مستقلی تحت عنوان اخلاق پزشکی، اخلاق زیستی و امثال اینها در منابع پزشکی نیاکان وجود ندارد ولی دروس مرتبط با اخلاق به طور مفصل در برنامه‌های علوم پایه پزشکی آن زمانها وجود داشته و آموزش‌های مربوطه چنان اثرگذار بوده که نه تنها در سیره آنان بلکه در آثار مکتوب آنها که حاصل پندار و گفتار توحیدی آنان بوده است نیز منعکس گردیده و در بسیاری از صفحات کتب پزشکی نیاکان، در متن اصلی و نه در حاشیه و داخل پرانتز جلب توجه می‌نماید که به عنوان قسمتی از نتایج این تحقیق به برخی از آنها پرداخته میشود:

در اینجا نیز با بهره‌گیری از نسخه‌های الکترونیک الحاوی رازی، قانون ابن سینا و ذخیره خوارزمشاهی حکیم جرجانی، سعی کرده‌ایم به جستجوی سبک نگارش این کتابها پرداخته با گلوآه‌های ایزد، پروردگار، آفریدگار، جل و علا، عز و جل، عزاسمه، الله، قادر، متعال، معین و... به جستجو پرداخته با صدها واژه و جمله توحیدی و دهها متن کوچک و بزرگ مرتبط با ادبیات توحیدی، مواجه گردیدیم... یادآور میشود که خداوند سبحان در بسیاری از آیات قرآن مجید و از جمله در آیات ۱۹۱-۱۹۰ سوره آل عمران، برخی از صفات خردمندان را برشمرده و متذکر شده است: آنها

کسانی هستند که در خلقت آسمانها و زمین و چگونگی آمد و شد شب و روز، تفکر و تدبیر نموده آثار حکمت الهی را در سراسر هستی مشاهده کرده عملاً با تمامی حرکات و سکنات و رفتارهای خود به ذکر معبود قادر متعال، پرداخته به هدفدار بودن خلقت، گواهی میدهند... (۹) براساس این تعریف، به برخی از این خردمندان، اشاره می‌گردد: یکی از این خردمندان، پروفسور روین آنا تومیسست موحد فرانسوی است که عمر پربرکت خود را در راه پژوهش در هستی و دستیابی به حقیقت، سپری کرده است. وی در کتاب نفیس حیات و هدفداری می‌نویسد "حیات، کار تصادف نبوده و نمی‌تواند باشد. بلکه کار فکری خلاق و مافوق طبیعی یعنی خداست که بذر حیات را در جهانی که آماده پذیرش آن بوده شکوفا کرده است" و سپس بی آنکه توقفی در آن حاصل شود و بدون آنکه منشایی غیر از موجود زنده داشته باشد با انتقال از یک موجود زنده به دیگری ادامه یافته است... (۱۰).

خردمند فیلسوف دیگری به اسم ملاصدرا این نقشه ازلی را "حرکت جوهری" نامیده است. طبق نظریه این فیلسوف عالیقدر جهان اسلام ماده، بر اثر یک سلسله حرکات تکاملی که در ناتش پدید می‌آید دارای استعدادی میشود که دیگر خاصیت مادی ندارد یعنی ماده پس از طی مراحل تکاملی، حالتی غیرمادی پیدا میکند. طبق نظریه توحیدی ملاصدرا در تمام پدیده‌های جهان غیر از حرکات معمولی یک حرکت آرام تکاملی وجود دارد که به تدریج آنها را به مراتبی بالاتر از آنچه که فعلاً هستند سوق میدهد و این حرکت به اصطلاح این فیلسوف اسلامی، "حرکت جوهری"، نامیده میشود. یعنی حرکتی که به امر الهی استعداد انجام آن بالقوه در ذات اشیاء وجود دارد (۱۱).

مولانا جلال الدین خردمند، میگوید:

چون نمایی داند دل داننده‌ای

هست با گردنده گرداننده‌ای (۱۲)

فردوسی خردمند میگوید :

سخن هیچ بهتر ز توحید نیست

بنا گفتن و گفتن ایزد یکیست

کزویست گردون گردان بیــــــــــــای

همویست بر نیکویی رهنمای (۱۳)

عارف کامل، خواجه عبدالله انصاری چنین سروده است :

مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو

ورنه من از این هردو مقام آزادم (۱۴)

حافظ خردمند، میگوید :

بلبل زشاخ سرو به گلبنگ پهلوی

میخواند دوش درس مقامات معنوی

یعنی بیا که آتش موسی نمود گل

تا از درخت، نکته توحید بشنوی (۱۵)

و ابن سینای خردمند در مقابل هدفداری در خلقت مثانه، سر تعظیم فرود آورده چنین می‌نگارد: "آفریدگار توانا بدون کمک و یاری هیچ دستیاری کارگاه وجود انسان را چنان با دقت آفریده است که هیچ نقص و خللی در آن وارد نیست... به راستی که کسی جز او سزاوار پرستش نمی‌باشد" (۱۶).

حکیم جرجانی هر ده جلد کتاب نخیله را با بسم الله الرحمن الرحیم کامل، شروع کرده در آغاز جلد اول بر پیامبر و خانواده او درود میفرستد، در آغاز کتاب ششم، دعای پر معنای "اللَّهُمَّ وَفَقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى" (خداوندا ما را در آنچه که مورد رضا و رغبت توست موفق گردان) را بر قلم خود جاری مینماید، در پایان برخی از کتب از اینکه موفق به تالیف آن کتاب شده است بار دیگر خداوند را بر این حُسن توفیق می‌ستاید، در سراسر کتاب خود بارها از جمله

دعائیه انشاءالله استفاده نموده، کراراً تقدیر الهی و هدفداری در ساختمان و فعالیت‌های ارگان‌ها را گوشزد کرده به ترتیب نزولی از واژه‌های ذیل، به فراوانی استفاده کرده است : الله، تعالی، آفریدگار، عَزَّوَجَلَّ، ایزد، جَلَّ وَ عَلاَّ معین، عزاسمه، قادر، ... و پروردگار (۱۷).

دانشمند عظیم الشان، محمد زگریای رازی نیز در سرتاسر دایره‌المعارف الحاوی، قریب ششصدبار از واژه‌های جلیله و لغات و عبارات توحیدی همچون: صلی الله، بلطف الله، جعل الله، مشیه الله، یعلمه الله، حرسه الله، بحول الله، انشاءالله، استعنت بالله، باذن الله، بحمدالله ... و بسم الله استفاده نموده است (۱۸).

و همه اینها یعنی ادبیات توحیدی ... و همانگونه که ملاحظه می‌گردد: هرکدام از خردمندان شاعر و عارف و عالم، از زاویه‌ای می‌نگرند ولی یک چیز می‌بینند! جلوه جمال حق را! حضور همیشگی او را، نظارت و مراقبت دایمی وی را! و زبان مشترک همه آنها اینست که یکی هست و نیست جز او وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

بحث و نتیجه گیری

همانگونه که در سطرهای آغازین بخش گزارش نتایج نیز اشاره شد تصور اولیه نگارنده این بود که در پزشکی نیاکان، بحثی تحت عنوان اخلاق پزشکی، مطرح نبوده است زیرا نه کتابی و نه مقاله‌ای و نه مطلبی در این خصوص، نگارش نیافته است! غافل از اینکه: در حال شنا در آب دریا به دنبال آب، در حال پرواز در هوا به دنبال هوا و از فراز شاخه‌های سرسبز درخت به دنبال درخت می‌گردیم ... غافل از اینکه: در پزشکی نیاکان، شرط پا گذاشتن به این وادی مقدس، پشت سر گذاشتن دوره‌های نظری و عملی تهذیب اخلاق و تقوی بوده است ... غافل از اینکه: کسانی پا به این وادی مقدس می‌گذاشتند که معتقد بودند اَوَّلُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ وَ آخِرُ الْعِلْمِ تَفْوِضُ أَمْرِ إِلَهِ ... (۱۹) غافل از اینکه: اجداد خردمندان پزشکی و بهداشت را مهندسی دستگاهی می‌دانستند که خالق آن خداوند قادر متعال است

... (۲۰) و در یک کلام، غافل از اینکه: آنان عالم را محضر خدا و هرگونه انحراف از جاده مقدس اخلاق را معصیت در پیشگاه الهی می‌دانستند و لذا با رعایت موازین اخلاق عمومی و حرفه‌ای فضیلت‌گرا و تقوای حاصل از آن نه تنها از رفتارهای غیراخلاقی در تمامی شئون زندگی علمی و از جمله امور پژوهشی و تالیف نتایج پژوهش‌های خود و انتشار کتاب پرهیز میکردند بلکه در پندار، گفتار و رفتار عادی و معمولی خویش نیز موازین اخلاقی را مراعات می‌نمودند و سبک و شیوه نوشتاری آثار مکتوب آنان به گونه‌ای است که گویی در مطالعات و پژوهش‌های خود، تمامی پدیده‌های گیتی را با دید اعتقادی و هدفدار، ارزیابی نموده نهال قامت رعناي آفریدگار قادر متعال را در نرّه نرّه جامدات و قطره قطره مایعات و لحظه لحظه اوقات مشاهده و بلکه با تمام وجود خود لمس می‌نموده از مطالعه نموده‌های هستی، لذت می‌برده، توفیق آگاهی‌های بیشتر و کشف حقایق و دقایق جاری را از خالق بی‌مانند، طلب میکرده‌اند و جای هیچگونه تعجیبی نیست که این ارتباط، متقابل بوده خداوند نیز طبق قولی که به رهجویان راه حقیقت داده است طرق دستیابی به رموز هستی را به آنان تعلیم می‌داده (۲۱) و ثمره این ارتباطات با شکوه مکتب انسان ساز اسلام، چیزی جز رشد و ارتقای عالمانی همچون ابن سینا، رازی، فردوسی ... و جرجانی در هزاره دوم میلادی نبوده است و بدیهی است که تحت چنین شرایطی آثاری تالیف و به رشته تحریر در می‌آمد که بوی خوش اخلاق در پژوهش فضیلت‌گرا از صفحه به صفحه و بلکه جمله به جمله، کلمه به کلمه و حرف به حرف آنها به مشام خردمندان اهل دل میرسد. بوی دل‌انگیز و روح‌افزایی که در قالب ادبیات توحیدی به رشته تحریر درآمده و به دست نسل امروز رسیده است. ادبیاتی که در دل متون علمی و در لابلاي گزارش‌های نهایی پژوهش‌های آنان! - دایره‌المعارف‌ها - نه در حاشیه و پاورقی‌ها! و در یک کلام در سیره آنان نه در عنوان‌ها و زیرعنوان‌ها که در یک نگاه بتوان آنها را یافت و در مورد بود و نبود و کمیّت و

کیفیّت آنها قضاوت کرد ...

بدیهی است که اسلام از یک طرف ارزش و اهمیت سلامتی انسان را تا حدی بالا برده که طبق نص صریح قرآن، نجات جان یک نفر انسان را مساوی با نجات جان تمامی انسان‌ها و هلاکت یک نفر انسان را به منزله هلاکت تمامی آنها اعلام نمود (۲۲) و از طرف دیگر علوم پزشکی را بر علوم دینی ترجیح داده و یا لااقل هر دو را با اهمیت شمرده در یک ردیف قرار داده (۲۳) و به منظور رشد و شکوفایی استعدادها پیروان خود را به سیر آفاق و انفس (۲۴) و کسب دانش در اقصی نقاط جهان دعوت نموده (۲۵) و با بیان اصل کلی "هردردی را درمانی هست" (۲۶) انگیزه پژوهش در پزشکی و بهداشت را برانگیخته و بسیاری از موارد نیز اثرات معجزه آسای پیشگیری رفتاری را عملاً به معرض نمایش گذاشته تا به عنوان یک اصل کلی در آموزش بهداشت، مورد استفاده قرار گیرد.

جالب توجه است که زمانی فلسفه اخلاق را براساس نظریات سه‌گانه: ۱ - سودگرا ۲ - وظیفه‌گرا و ۳ - فضیلت‌گرا بیان می‌کردند و با دید عقیدتی توحیدی از نظریات فضیلت‌گرا دفاع نموده براین عقیده بودند که: نظریات فضیلت‌گرا بیش از آنکه به افعال و خوبی و بدی آنها بپردازند، به فاعل، نظر دارند و اینکه فاعل چه ویژگی‌های شخصیتی را باید در خود بپرورد که عموماً کارهای خوب از او سرزند. انسانی که از رنج کشیدن دیگران متأثر می‌شود هرچند هیچ کاری نتواند برای آنها انجام دهد، از دیدگاه این نظریه فرد شایسته‌ای است. فضیلتی هم هستند که در تمام افعال بروز می‌یابند. مانند عدم تظاهر، ثبات قدم در انجام افعال نیکو و پرهیز از افعال زشت، احساس مسئولیت و ... از این دید مطمئن‌ترین کار اخلاقی در زمینه اخلاق در پژوهش، پروراندن پژوهشگران باوجدان، دلسوز، مسئول و ... است (۲) و همانگونه که ملاحظه می‌گردد اخلاق در پژوهش‌های مرتبط با پزشکی نیاکان، از فلسفه اخلاق فضیلت‌گرا تبعیت می‌کرده و موجب تولید پندار نیک و به تبع آن گفتار برخاسته و جوشیده از

منابع

- ۱ - حاتمی، حسین: سیری در پزشکی نیاکان، دانشگاه علوم پزشکی ایران، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب سنتی و مکمل، انتشارات ارجمند، چاپ اول، سال ۱۳۸۳، صفحات ۱۳۷-۱.
- ۲ - فرهادی، یدالله؛ موسوی جراحی، علیرضا؛ حقیقی، زهره: موازین اخلاقی در پژوهش‌های علوم پزشکی، معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، سال ۱۳۸۳.
- ۳ - محقق، مهدی: تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، سروش، ۱۳۷۴، ص ۳۱۴.
- ۴ - ابن سینا، قانون در طب، کتاب اول، فصل اول، مقدمه کتاب.
- ۵ - ابن سینا، قانون در طب، کتاب اول، تعلیم اول، فصل دوم.
- ۶ - ابن سینا، قانون در طب، کتاب اول، دامنه علم طب.
- ۷ - بانک اطلاعات رایانه‌ای زکریای رازی، به کوشش حسین حاتمی، معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، سایت اینترنتی وزارت بهداشت
<http://www.elib.hbi.ir/persian/library.htm>.
- ۸ - عقیلی خراسانی: کتاب خلاصه الحکم، (تصحیح و ویرایش محمد ناظم)، موسسه تحقیقات تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۶، ص ۱۸-۱۵.
- ۹ - قرآن، سوره آل عمران، آیه ۱۹۱ (الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار).
- ۱۰ - ه - روین: حیات و هدفداری، ترجمه دکتر عباس شیبانی، شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۵۰ (ضمیمه نسخه رایانه‌ای مثنوی معنوی)، سایت اینترنتی وزارت بهداشت، به کوشش حسین حاتمی
<http://www.elib.hbi.ir/persian/library.htm>
- ۱۱ - صدر المتالهین، اسفارالاربعه، ج ۳، ص ۷۴.
- ۱۲ - جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر ششم، ص ۱۳۸۲ رایانه‌ای، سایت اینترنتی وزارت بهداشت،

سرچشمه اخلاق و حاصل نهایی هر دو به صورت رفتار اخلاقی در قالب ادبیات توحیدی در متون پزشکی نیاکان و سیر و سلوک الی‌الله، متجلی می‌شده است و در عین حال کیاست مومنانه‌ای را نیز به دنبال داشته تا مغبون تقلب ناهلان و شیادان داروسازانما و پزشک‌نما که فلسفه اخلاق را درک نکرده و منافع شخصی را بر سلامتی مردم، ترجیح می‌دهند، نشوند و به همین دلیل از تولید غیراخلاقی فرآورده‌های دارویی نامناسب و قضاوت‌های ناصواب، انتقاد کرده مردم و همکاران را با حقوقی بهداشتی خود آشنا می‌نمودند... که موضوع مقاله دیگری را تشکیل می‌دهد.

بدیهی است که با وجود این جهان بینی، انتظار می‌رود اخلاق در پژوهش نه به اجبار و نه به اختیار بلکه به عنوان یک مسئولیت و یک امر عبادی و افتخارآمیز رعایت شود. هرچند انتظار سیاستگذاران امور پژوهشی نوین آن است که در طراحی امور پژوهشی، موازین اخلاق در پژوهش، به شیوه‌ای که قابل اندازه‌گیری بوده و ارزیابی آن با معیارهای پیش‌بینی شده در فرم‌های اخلاق در پژوهش میسر باشد مراعات گردد. که انتظار معقولی به نظر می‌رسد و هیچگونه تضادی با اخلاق فضیلت‌گرا نداشته و بلکه مکمل یکدیگر می‌باشند.

امید است همچون پیش‌کسوتان افتخارآفرین خود ادبیات توحیدی را در گفتار و نوشتارمان به کار بندیم و متعلق به اخلاق حرفه‌ای فضیلت‌گرا گشته، عالم را همواره محضر خداوند مَنان بدانیم و اگر به شغل مقدس پزشکی و حرفه‌های وابسته به آن اشتغال داریم، از فتوای امام و سید بزرگوارمان حکیم جرجانی، مولف نخیره خوارزمشاهی تقلید نموده بر این باور باشیم که: پزشک باید در شرایطی نزد بیمار آید که شرطهای امانت دینی و شفقت مردمی بجای آورده و چشم و گوش و دست و زبان از همه ناپسندیدنیها نگاه داشته باشد (۲۷).

۱۹ - حدیث نبوی « أول العلم معرفة الجبار، وآخر العلم تفويض الأمر إليه » آغاز کتاب جامع المقدمات، از کتب علوم پایه حوزه‌های علمیه.

۲۰ - حاتمی، حسین: مبانی اپیدمیولوژی بالینی در قانون ابن سینا، مجله طب و تزکیه، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۷۹، صفحات ۸۳-۹۰.

۲۱ - قرآن مجید، سوره عنکبوت، آیه ۶۹ « والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین».

۲۲ - قرآن مجید، آیه ۳۲، سوره مائده « ... و من لایهاها فکانما لایها الناس جمعیا ...»

۲۳ - حدیث نبوی «العلمُ علمان، علمُ الأبدانِ و علمُ الأبدانِ»، رسائل لخوان الصفا، جلد ۴، ص ۱۶.

۲۴ - قرآن مجید، سیروا فی الارض (چندین مرتبه تکرار گردیده است).

۲۵ - حدیث نبوی، اطلب العلم ولو بالصین.

۲۶ - حدیث نبوی، هر دردی را درمانی هست.

۲۷ - جرجانی، حکیم سید اسماعیل: حُفی عالیی، (تحشیه دکتر ولایتی، دکتر نجم آبادی - ره -)، انتشارات اطلاعات، سال ۱۳۷۷.

به کوشش حسین حاتمی

<http://www.elib.hbi.ir/persian/library.htm>.

۱۳ - فردوسی، حکیم ابوالقاسم، شاهنامه، نسخه رایانه‌ای معاونت پژوهشی، جلد ۴، صفحه ۱۰۸۷، به کوشش حسین حاتمی

<http://www.elib.hbi.ir/persian/library.htm>.

۱۴ - انصاری، خواجه عبدالله، مناجات .

۱۵ - حافظ، شمس الدین محمد: دیوان حافظ، غزل شماره ۴۰۴، ص ۴۸۷، رایانه‌ای، سایت اینترنتی وزارت بهداشت، به کوشش حسین حاتمی

<http://www.elib.hbi.ir/persian/library.htm>.

۱۶ - ابن سینا، قانون در طب، کتاب سوّم، فن ۱۹، گفتار ۱، فصل ۱.

۱۷ - حاتمی، حسین: ادبیات توحیدی در متن نخیره خوارزمشاهی، کنگره بزرگداشت حکیم سید اسماعیل جرجانی، فرهنگستان علوم پزشکی کشور و دانشگاه علوم پزشکی گرگان، سال ۱۳۸۱، صفحات ۲۱۵-۲۰۸.

۱۸ - رازی، محمد زکریا (ره): الحاوی، نسخه رایانه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.



Archive of SID